

زوال جرایم مادی صرف در حقوق کیفری ایران		
وابستگی سازمانی	نویسندگان	
استادیار، گروه حقوق عمومی، پژوهشگر مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران	علی بیگه *	
دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شمال، تهران، ایران	محسن باباخانی	
چکیده	اطلاعات مقاله	
<p>تحقق جرائم غیر عمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب بوده و در جنایات غیر عمدی اعم از شبه عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می شود. ماده مذکور تقصیر را به عنوان رکن روانی جرائم غیر عمدی غیر جنایی پیش بینی نموده است. پس در جرایم غیر عمد احراز تقصیر شرط تحقق جرم است. این مقاله به صورت توصیفی و با روش گردآوری اطلاعات، درصدد است جایگاه موجود یا حذف شده جرایم مادی صرف در نظام حقوق کیفری کشور را مشخص نماید. اگر تحقق تمامی جرائم غیر جنایی غیر عمدی منوط به بروز تقصیر باشد در مقابل با جرایمی تحت عنوان جرایم مادی صرف که اثبات عمد و تقصیر در آن ضرورت ندارد مواجه می شویم. جرائم مادی صرف به آن دسته از جرائمی اطلاق می شود که در آن صرف تحقق رکن مادی برای جرم کفایت است. در این دسته از جرائم، صرف تحقق رکن مادی تکافوی تحقق جرم می نماید؛ لیکن نیازی به اثبات عنصر روانی در این دسته از جرائم نمی باشد؛ هرچند در این جرم عنصر روانی وجود داشته باشد. می توان نتیجه گرفت که عنوان جرایم مادی صرف در مقطعی همراه با وضع قانون صدور چک و قوانین حوزه جرایم رانندگی به نظام حقوقی کشور ورود کرد و متعاقب نسخ و اصلاح قوانین مربوط از نظام حقوقی کشور رخ بر بسته و مصداقی در مقررات کنونی کشور ندارد.</p>	نوع مقاله	
	پژوهشی	صفحه
	۱۶ - ۳۲	دوره ۲، شماره ۱ (شماره سوم پیاپی)
	اطلاعات نویسنده مسئول	نویسنده مسئول
	علی بیگه	کد ارکید
	.....	تلفن
	۰۹۱۰۲۱۲۴۵۶۰	ایمیل
	mr.alibeigi582@yahoo.com	سابقه مقاله
	تاریخ دریافت	۱۴۰۴/۰۱/۱۵
	تاریخ ویرایش	۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش	۱۴۰۴/۰۲/۱۵	
تاریخ انتشار	۱۴۰۴/۰۲/۲۱	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی	
واژگان کلیدی	مادی صرف، غیر جنایی، غیر عمد، تقصیر، رکن روانی	
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد دهی	بیگه، علی؛ باباخانی، محسن (۱۴۰۴)، زوال جرایم مادی صرف در حقوق کیفری ایران، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۱، (شماره سوم پیاپی)، صفحات ۱۶ - ۳۲	

<b>The Decline of Strict Liability Offenses in the Iranian Criminal Law</b>	
<b>Authors</b>	
Ali Beigi*	
<b>Organizational Affiliation</b>	
Assistant Professor, Department of Public Law, Researcher at the Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran	
Mohsen Babakhani	
Master's Degree Student, Department of Criminal Law & Criminology, North Tehran Branch, Tehran, Iran	
<b>Article Information</b>	
<b>Article Type</b>	Research
<b>Pages</b>	16 - 32
<b>Volume 2, Issue 1 (Third Consecutive Issue)</b>	
<b>Corresponding Author's Info</b>	
<b>Corresponding Author's</b>	Ali Beigi
<b>ORCID</b>	0000 – 0000 – 0000 - 0000
<b>Tell</b>	09102124560
<b>Email</b>	mr.alibeigi582@yahoo.com
<b>Article History</b>	
<b>Received</b>	2025/04/04
<b>Revised</b>	2025/04/21
<b>Accepted</b>	2025/05/05
<b>Published Online</b>	2025/04/11
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical
<b>Abstract</b>	
The realization of unintentional crimes is subject to the determination of the perpetrator's fault, and in unintentional crimes, including quasi-intentional and pure error, the provisions of the Qisas and Diyat Book are applied. The aforementioned article has foreseen fault as the psychological element of unintentional non-criminal crimes. Therefore, in unintentional crimes, the determination of fault is a condition for the realization of the crime. This article, descriptively and using the method of collecting information, seeks to determine the existing or eliminated position of purely material crimes in the country's criminal law system. If the realization of all unintentional non-criminal crimes is subject to the occurrence of fault, on the other hand, we encounter crimes called purely material crimes in which proof of intent and fault is not necessary. Pure material crimes refer to those crimes in which the mere realization of the material element is sufficient for the crime. In this category of crimes, the mere realization of the material element is sufficient for the realization of the crime; however, there is no need to prove the psychological element in this category of crimes; even though there is a psychological element in this crime. It can be concluded that the title of material crimes only entered the country's legal system at some point along with the enactment of the Check Issuance Law and the laws on driving offenses, and following the repeal and amendment of the relevant laws, it disappeared from the country's legal system and has no relevance in the country's current regulations.	
<b>Keywords</b>	<i>Mere Material, Non-Criminal, Unintentional, Fault, Psychological Element</i>
<b>Description</b>	
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>	
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>	
<b>How to Cite This Article</b>	Beigi, Ali; Babakhani, Mohsen (2025), The Decline of Strict Liability Offenses in the Iranian Criminal Law , Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law and Education, Volume 2, Issue 1 (third consecutive issue), Pages 16-32

## ۱- مقدمه

نظام حقوقی کشور ایران تاکنون دچار تغییرات چشم گیری شده است. بعضاً گفته می شود که این تغییرات متوالی مقررات به جهت ناکارآمدی آن است. در مقابل نیز می توان تصویب و اصلاح قوانین را ناشی از پویایی نظام حقوقی کشور دانست. به نظر می رسد یافتن مشکلات و نارسائی های قانون و تلاش مداوم جهت اصلاح آن، خود نوعی پویایی است. اصولاً در تحقق جرایم، احراز سه رکن مادی، روانی و قانونی ضرورت دارد. در تحقق جرایم رکن روانی، بصورت عمد و غیرعمد بروز می نماید. چنانچه جرایم از نوع جنایات باشد رکن روانی غیر عمد مشتمل بر شبه عمد و خطای محض می باشد. در جرایم غیر جنایی نیز رکن روانی مشتمل بر عمد یا غیر عمد می باشد. قانونگذار در سال ۹۲ بطور ابتکاری در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی در تحقق جرائم غیر جنایی غیر عمدی، احراز تقصیر را شرط تحقق جرم دانسته است. این ماده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ معادلی نداشته و تأسیسی جدید در قانون کیفری به شمار می آید. اما نحوه نگارش آن ابهاماتی ایجاد نموده است. از آنجائیکه بخش عمده کیفرهای مندرج در قانون مجازات، برگرفته از فقه است، لذا جهت تشریح و شفاف سازی موضوع به منبع فقهی قابل توجه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ رجوع شده است. مضافاً اینکه آثار حقوقی موجود در عرصه حقوق کیفری بویژه کتب حقوق جزا در رهیافت و دستیابی به پاسخی درست، راهگشا می باشد. تا پیش از تصویب قانون مجازات سال ۱۳۹۲، ماده ای که به بیان رکن روانی جرایم غیرجنایی پردازد پیش بینی نشده بود. لیکن برابر مقرر اخیرالذکر، در جرایم غیر جنایی غیر عمد برای تحقق عنوان مجرمانه باید عنصر تقصیر احراز گردد. این در حالیست که در نظام حقوق کیفری کشور با جرایمی مواجه هستیم که مادی صرف نامیده می شود و نیازی به اثبات رکن روانی ندارد. حال این سوال به ذهن متبادر می شود؛ آیا با وضع ماده مذکور، جرائم مادی صرف از نظام حقوق کیفری ایران حذف شده و در نتیجه جرم صدور چک پرداخت نشدنی (مصدق بارز جرم مادی صرف) جرم زدایی شده است؟ آیا آثار کیفری بر جرائمی مثل صدور چک پرداخت نشدنی بار می شود یا خیر؟

## ۲- پیشینه شناسی

بررسی سوابق تحقیق را به طور کلی به دو عرصه زمانی می توان تقسیم نمود. نخست سوابق و مطالعات منطبق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و دیگر بررسی های منطبق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اما از آنجا که موضوع حاضر با تأکید بر ماده ۱۴۵ قانون جدیدالتصویب است؛ باید یادآوری نمود که مراجعه و ذکر سوابق پژوهشی تحلیلی مربوط به زمان قانون سابق، اجتناب ناپذیر و ضروریست. در منابع و کتب حقوقی اگرچه در مورد تقسیم بندی جرائم به اعتبار رکن روانی گفتارهای مطرح شده اما عمده مباحث، پیرامون تقسیم جرائم به عمد و غیر عمد بوده و کمتر به جرائم مادی صرف توجه شده است بطوریکه می توان گفت چندان مورد اعتنا نبوده است. اما بررسی ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی و کیفیت تاثیر آن بر جرایم مادی صرف امری بکر است که در کتب و مقالات حقوقی کمتر به آن اشاره شده است.

از جمله پژوهش هایی که در موضوعات نزدیک به تحقیق حاضر نگارش شده می توان به مقاله بررسی تغییرات و نوآوری های قانون اصلاح قانون صدور چک ۱۳۸۲ نوشته مجتبی فرح بخش (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی مسؤلیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن لا نوشته حمید شاهچراغ (۱۳۹۱)، تأملی بر جرایم با مسؤلیت مطلق در حقوق انگلستان اثر امیر سماواتی پیروز (۱۳۸۷) و باز پژوهی جرم مادی صرف؛ مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا اثر سجاد لشکری آذر و محمد آشوری (۱۳۹۹) اشاره نمود. در مقاله نخست، قانون صدور چک اصلاحی سال ۸۲ مورد بررسی قرار گرفته و نویسنده آن در خلال توضیحات به این مبحث پرداخته که این نوع جرم چه رابطه ای با جرم مادی صرف دارد. در دو مقاله بعدی نیز مطالعه ای تطبیقی در زمینه شناخت جرائم با مسؤلیت مطلق بعمل آمده است

و به نوعی جرم مادی صرف معرفی نموده است و هدف نویسنده های آن صرفاً مطالعه مسئولیت مطلق بوده است. در مقاله پایانی هم نویسندگان با رویکردی تطبیقی جایگاه جرایم مادی صرف در نظام حقوقی آمریکا و ایران را بیان نموده و درصدد اصلاح ساختارهای حقوقی در مواجهه با این دسته جرایم می باشد. در صورتیکه نگارنده در مقاله حاضر بصورت اکتشافی به نتیجه ای کاملاً متضاد با مقاله های مذکور دست یافته است.

### ۳- مفهوم شناسی جرم مادی صرف

جامعه بشری جهت بهبود و نظام بخشیدن به روابط همه جانبه انسانی، به وضع مقررات متمسک شد. از این رو جهت حفظ و حراست از ارزش های انسانی و اخلاقی همچون حیات، تمامیت جسمانی، شرافت و عفت، مقررات نسبتاً ثابتی وضع نمود که در همه جوامع بشری مورد حمایت واقع شده است. در کنار این ارزش ها با توجه به نیازهای هر عرصه قوانین خاصی نیز لازم است. این مقررات در عرصه های مختلف متفاوت بوده است. از جمله اینکه با ظهور رنسانس و صنعتی شدن جوامع و از سویی دیگر عدم امکان تسلط کامل انسان به تمام جوانب صنایع و آغاز ماشینی شدن جوامع، ناگزیر از وضع قوانینی شد که هم اکنون چندان مطابق اصول کلی حقوق نمی باشد. جرائم مادی صرف از جمله این ابداعات محسوب می شود. لذا همانگونه که در تعریف جرم سردرگمی قانونگذار مشهود است (جعفری، ۱۴۰۰: ۲۲) چالش ها و سردرگمی مقنن در تعریف این دسته از جرایم نیز تبعاً محرز بوده و نویسنده معتقد است آغاز این نوع قانونگذاری ابتدا در اروپای صنعتی قرن بیستم رخ داد و سپس حقوقدانان ایرانی با الهام از این مقررات؛ درصدد پرمودن خلاء های حقوقی موجود در کشور برآمدند.

### ۳-۱- جرم مادی صرف از منظر فقهی

جرائم در متون فقهی در قالب کتاب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات بررسی شده است. بدین توضیح که اگر جرم و گناهی مصداق قصاص و حد نباشد الزاماً مشمول عنوان تعزیر قرار می گیرد. اما جرائم تعزیری دارای انسجام و دسته بندی دقیقی نمی باشد. اگر چه در منابع فقهی مختلف می توان تعاریف کلی از تعزیر پیدا نمود. (کلانتر، ۱۴۰۴: ۱۹۳) لیکن در بیان مصادیق تعزیر با پراکندگی مواجه هستیم. مصادیق تعزیر را در منابع فقه شیعه به دو شکل می توان یافت. نخست در باب حدود و تعزیرات و دوم در قالب سایر ابواب، اما قدر متیقن در هر دو طیف از این ابواب، نحوه اشاره به مصادیق تعزیر به این شکل است که نخست شرایط تحقق جرائم حدی یا قصاص مطرح شده و در کنار همان مساله، مصادیق مشابهی که از دامنه حد و قصاص خارج بوده، بیان شده است. به عبارتی واضح تر در هر دو بخش مذکور، مصادیق تعزیر به صورت غیر منسجم و پراکنده بیان شده است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵: ۴۳۷) از این مستندات می توان دریافت که در باب مربوط به حدود هر جا که ممکن و لازم بوده به موارد مشمول تعزیر نیز اشاراتی می شود؛ لاجرم نمی توان تمامی یا اکثر تعزیرات مندرج در مستندات فقهی را در یک کتاب یا باب منسجم پیدا کرد. مستندات فقهی موجود نیز این نظریه را تقویت می نماید. (خالدی، ۱۴۱۲: ۳۸۰) فقهای محدودی نیز تعزیر را تحت عنوان جداگانه و به شکل کاملاً مستقل بیان نموده اند. (اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۱۶) لذا انسجام و دسته بندی دقیقی از تعزیرات به دست نمی آید و عموم مباحث با تعریفی جامع از لحاظ برخورد و کیفر به حاکم واگذار گردیده است. لذا در منابع فقهی موجود نمی توان متنی پیدا نمود که به وضوح یا حتی به صورت ضمنی به جرائم مادی صرف اشاره کرده باشد. آنچه مسلم است اینکه جرائم مادی صرف ریشه فقهی ندارد چرا که از منظر فقه جرائم تقسیم بندی مشخصی دارد؛ بطوریکه از منظر رکن روانی نیاز به احراز عمد دارد یا قدر متیقن دربردارنده تقصیر می باشد؛ در حالیکه در جرائم مادی صرف عمد یا تقصیر مرتکب مورد اعتنا نیست. لزوم توجه به

اثبات عنصر معنوی جرم برای قابل سرزنش دانستن مرتکب و محاکمه و محکومیت وی، از تعلیمات مذهبی و اخلاقی به حقوق کیفری تسری یافته است. فقه اسلامی نیز همسو با سایر مذاهب و بلکه در صف مقدم، به این مهم توجه داشته است. تردیدی نیست که در حقوق جزای اسلامی، مهم ترین رکن سازنده جرم، سوءنیت است. از سویی شرایط عامه تکلیف یعنی علم، قصد، بلوغ و اختیار و از سویی وجود شرایط منحصر به فرد در برخی جرائم، به ویژه جرایم مستوجب حد، در ضرورت تحقق عنصر معنوی تردیدی باقی نمی گذارد. لذا در منابع فقهی بار نمودن مسئولیت بر اشخاص ضرورتاً ملازمه با وجود عمد یا لاقفل تقصیر مرتکب دارد. از منظر فقه، مجازات کسی که فاقد سوءنیت باشد، صحیح نیست. لذا در منابع فقهی نمی توان مصداقی از جرایم مادی صرف یافت.

### ۳-۲- جرم مادی صرف از منظر قانونی

اصولاً تعریف و تقسیم بندی جرائم بر عهده قوانین ماهوی کیفری است. عرصه جزایی کشور تا کنون تحولاتی بسیاری به خود دیده و از قبل این تغییرات می توان دسته بندی های متفاوتی را در مقررات کیفری مشاهده نمود. از دسته بندی جرائم به خلاف، جنحه و جنایت گرفته تا تقسیم بندی عمدی و غیر عمدی و تقسیم بندی به قصاص، حدود، دیات، تعزیر و مجازات بازدارنده. لیکن نه تنها در قوانین کیفری تعریفی از جرائم مادی صرف نشده بلکه این عنوان را حتی در متن مواد قانونی نیز نمی توان یافت. به نظر می رسد سابقه جرائم مادی صرف به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بر می گردد. این قانون اگرچه از لفظ جرم مادی صرف استفاده نکرده لیکن با مذاقه در این مواد می توان گفت مستندات مذکور، از نخستین مقررات کیفری کشور است که به طور ضمنی، جرائمی را تأسیس نموده که به لحاظ ساختاری، مادی صرف به نظر می رسد. فصل نهم این قانون با عنوان «در ورشکستگی و کلاهبرداری» جرائم ورشکستگی به تقلب و تقصیر و کلاهبرداری را بیان نموده است. مقنن با بکاربردن الفاظ «ورشکستگی به تقلب» و «هر کس از راه حيله و تقلب» ضرورت عمد را در جرائم مذکور بیان نموده است. در بند الف ماده ۲۳۸ مکرر هیچ گونه عمدی در صدور چک بلامحل نمی توان یافت و این مهم به فرینه بند ب این مقرر کاملاً محرز است. مقنن در بند ب این ماده، صدور چک با سوء نیت را پیش بینی نموده و مجازات آن نسبت به بند الف شدیدتر قرارداده است. قاعدتاً بند الف ماده ۲۳۸ مکرر ناظر به مصداق غیر عمد صدور چک بلا محل می باشد. البته به استناد ماده ۲۳۸ مکرر ق. م. ع به نظر می رسد؛ جرم مادی صرف به نظام حقوقی کشور وارد شده است، هر چند می توان بند الف ماده ۲۳۸ مکرر را در حالت وقوع تقصیر نیز متصور دانست و استدلال نمود که هرگاه صدور چک بلا محل به واسطه تقصیر صادر کننده، تحقق یافته باشد، جرم محقق است. در خصوص ماده ۱۷۴ ق. م. ع لازم به ذکر است که برابر اصول حاکم بر مجازات ها، مجرد ایراد ضرب و جرح یعنی تحقق صرف رکن مادی، به تنهایی برای مجازات کافی نبوده، بلکه وجود عمد یا لاقفل تقصیر جهت اعمال مجازات ضروریست. برخی حقوقدانان در تبیین این مقرر گفته اند: «با آنکه قسمت اول ماده به طور مطلق تنظیم شده ولی ایراد ضرب و جرح غیرعمدی باید مقرون به خطای جزایی باشد تا بتوان آن را مجازات کرد. منتها در این ماده، قانون، خطای جزایی را مفروض دانسته است. مطابق اصول کلی حقوق جزا که مرتکب عمل مجرمانه تنها در صورت وجود عنصر روانی قابل مجازات می باشد، بدیهی است که در این ماده نیز وجود تقصیر و خطا ضروری است، هر چند دادستان نیازی به اثبات آن ندارد». (باهری، ۱۳۸۱: ۳۳۷) به نظر می رسد استدلالی که در خصوص ماده ۲۳۸ شده است در مورد این مقرر صادق نیست؛ چرا که صدر ماده ۱۷۴ ناظر به ضرب و جرح غیر عمد و منحصر به دو حالت می باشد. حالت دوم که در ذیل این مقرر پیش بینی شده ناظر بر غیر عمد ناشی از تقصیر می باشد که به لحاظ کیفر نیز شدید تر از حالت نخست صدر ماده است. لذا لزوماً مصداق نخست صدر ماده، بایستی جرمی غیر عمد و به لحاظ رکن روانی خفیف تر از حالت تقصیر باشد. این مصداق یعنی همان

مادی صرف، اگرچه پذیرش این نوع جرم برای جامعه حقوقی غیر اصولی است لیکن باید پذیرفت که ماده ۱۷۴ ق.م.ع مصوب ۱۳۰۴ مصداق جرم مادی صرف است.

### ۳-۳- جرم مادی صرف از منظر حقوقی

در تعریف جرائم مادی صرف گفته شده؛ جرائمی هستند که علی رغم تحقق رفتار مجرمانه و مقررات کیفری، وجود رکن روانی در آن مهم نبوده و از این حیث مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. در واقع رکن روانی این گونه جرائم مفروض محسوب می‌شود و قاضی نیازی به احراز آن نداشته و به صرف ارتکاب رفتار و عنصر مادی، جرم محقق می‌شود. در حقیقت جرائمی هستند که عنصر معنوی آن‌ها تقصیر یا خطای جزائی است. مصادیق خطای جزائی عبارتند از: بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی. در واقع با وجود قانون برای جرم شناختن و صرف احراز عنصر مادی جرم، جرائم مزبور محقق می‌شوند و نیازی به اثبات قصد مجرمانه و یا حسن نیت نمی‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۳۸۸) غالب جرائم مادی صرف جرائم ترک فعل می‌باشند و مجازات آن‌ها خفیف است. جرائم مادی صرف غالباً مربوط به پلیس و انتظامات بوده و مشتمل بر ممنوعیت قطعی می‌باشند. جرم صدور چک پرداخت نشدنی نیز از مصادیق جرم مادی صرف است. (شکری، ۱۳۸۰: ۳۵۴) نویسندگان دیگری نیز از حیث رکن روانی جرائم را به سه دسته عمد، غیر عمد و مادی صرف تقسیم نموده‌اند. (آقایی نیا، ۱۳۸۵: ۹۱). واقع امر این است که قانون گذار با وضع مقررات خلافی که عموماً ناظر به نظم و سازمان اجتماعی و مربوط به اشتغال به بعضی مشاغل مانند حرفه‌های پزشکی، صنعتی، حمل و نقل و یا حفظ محیط زیست از آلودگی و یا تنظیم نحوه تردد وسایط نقلیه و امثال آن است، بیش از پیشگیری از آثار ناگواری که ممکن است بر اثر نادیده گرفتن این مقررات پدید آید؛ قصد دارد در مقام انتظام امور و سامان دادن به روابط و مناسبات کاری مردم، آنان را به تکلیفی که به این منظور به عهده خواهند داشت واقف کند؛ و چون رفتار یا فعل ناقض مقررات خلافی اغلب تجلی تقصیری است که فاعل در ادای تکلیف خود مرتکب شده است جز به دلیل سلب و یا اختلال اراده، نیاز به اثبات تقصیر مرتکب نیست. (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۱۹۵) وجود یک تقصیر در جرائم بی احتیاطی هرگز مورد تردید واقع نشده است. ولی وجود تقصیر برای چند جنحه و اغلب خلاف‌ها که مستلزم سوءنیت نبوده و به محض ارتکاب قابل مجازات هستند مورد اعتراض قرار گرفته است. ادعا شده، حتی در این خصوص رای صادر گردیده که این جرائم کاملاً مادی بوده و به محض انجام عمل ممنوعه مستقل از اراده مرتکب تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر برخلاف جنایات‌ها و اکثر جنحه‌ها، جرائم خلافی و جنحه‌های خلافی فقط دارای دو عنصر قانونی و مادی هستند. این جرائم عنصر اخلاقی ندارند. بنابراین نظر، مرتکب یک خلاف و یا یک جنحه خلافی به محض اینکه عمل مادی را انجام داد؛ باید مجازات شود. (استفانی، ۱۳۷۳: ۳۶۵) بعضاً تصور بر این است در صدور چک بلامحل باید قائل به تفکیک شد. بدین توضیح که در مواقعی تقصیر جزائی محرز است و جرم تلقی می‌شود اما در بعضی مواقع مانند آنچه گفته شد رکن معنوی نیز وجود ندارد. رکن روانی، فعل و انفعالات درونی و روانی مرتکب حین یا پیش از ارتکاب جرم است (منصور آبادی، ۱۴۰۰: ۲۴۷). در مورد اول جرم محقق بوده و چنانچه گفتیم برای اجرای مجازات نیازی به احراز و اثبات تقصیر جزائی یا عنصر معنوی نداریم. پس احراز عنصر معنوی که از شرایط عام اجرای مجازات است؛ در این جرائم وجود ندارد. اما مورد دوم نمی‌تواند جرم باشد چه عنصر معنوی وجود ندارد و دیگر بحث از احراز یا عدم احراز آن مطرح نمی‌شود بدین جهت نمی‌توان آن را جرم دانست. پس اگر جرم نیست چرا احکام مجازات بر آن بار می‌شود؟ اجرای احکام مجازات بر تخلفی که عنوان جرم ندارد به جهت وجود مصالح بدیع نیست. نفس صدور چک یا جرائم راهنمایی و رانندگی در نظر قانون گذار موجب مفاسدی است که وجود قصد یا عدم قصد مرتکب رافع آن‌ها نیست. بنابراین مجازات برای آن‌ها در نظر گرفته شده است و در هر وضعیت اعمال می‌شود. پس اگر بر تخلفی نتوان عنوان جرم نهاد، لیکن مجازاتی برای آن تعیین شده است، آن عمل در حکم

جرم است که بصورت اعتباری احکام جرم بر آن جاری می‌شود و قانون گذار برای تحقق آن‌ها ظاهراً نه تنها وجود عمد در فعل و نتیجه حاصله را ضروری ندانسته بلکه وجود هیچ گونه خطای جزایی را نیز شرط تحقق آن‌ها ملاک ندانسته و صرف ارتکاب اعمال خاصی را باعث تحقق عنوان مجرمانه دانسته است؛ وضعیتی که در بادی امر در تعارض آشکار با قاعده لزوم برخورداری جرم از عنصر معنوی به نظر می‌رسد و تمایز اصلی قواعد حقوق جزا از قواعد سایر رشته‌های حقوقی را از میان بر می‌دارد. نتیجه‌ای که از بررسی آثار حقوقی موجود در کشور بدست می‌آید اینست که: کتب حقوق کیفری از اوایل دهه هفتاد و به بعد از واژه جرم مادی صرف استفاده نموده و در دسته بندی جرائم و در بخش مربوط به رکن روانی، این تأسیس بکار گرفته شده است.

#### ۴- مصادیق جرم مادی صرف

باید گفت از اوایل دهه هفتاد اکثر حقوقدانان ضمن نگارش کتب حقوق جزای اختصاصی و جرائم علیه اموال و مالکیت در ذیل توضیح رکن روانی جرم صدور چک پرداخت نشدنی، در کنار تفصیل جرم از عبارت جرم مادی صرف استفاده نموده و جرم چک پرداخت نشدنی را از مصادیق جرائم مادی صرف دانسته‌اند که به تعدادی از این مستندات اشاره می‌کنیم. اگر چه در این رهیافت مطالعه آثار حقوقی حقوقدانان اسبق حقوق کیفری ایران نیز خالی از لطف نیست. (محسنی، ۱۳۷۵: ۸۴)، (صانعی، ۱۳۸۲: ۹۲) و (پاد، ۱۳۸۳: ۱۲۴) اصولاً گفته می‌شود جرم صدور چک جرمی است مادی صرف، یعنی با تحقق عنصر مادی جرم تحقق یافته تلقی می‌شود. جرم بدون عنصر معنوی که واقع نمی‌شود ولی قانون گذار این جرم خاص را که هنوز نمی‌داند عنصر معنوی دارد یا نه را جرم تلقی می‌کند، یعنی می‌گوید عنصر معنوی این جرم مفروض است، هیچ وقت نمی‌گوید جرم مادی صرف نیاز به عنصر معنوی ندارد. در جرم مادی صرف عنصر معنوی مفروض است یعنی این که در عالم حقوق همیشه بار اثبات بر عهده مدعی است و ... قانون به متهم اجازه داده سکوت کند چون اصل بر برائت است اما در جرم مادی صرف، بار دلیل معکوس می‌شود وقتی می‌گوییم عنصر معنوی مفروض است بلافاصله مدعی از ارائه دلیل سوءنیت، معاف می‌شود. (آزمایش، ۱۳۷۸: ۱۲۱) برای تحقق هر جرمی وجود ارکان قانونی، مادی و معنوی لازم و ضروری است و بدون وجود هر یک از این ارکان، جرم محقق نمی‌شود؛ مگر با تصریح قانون. در تحقق جرم صدور چک پرداخت نشدنی وجود ارکان قانونی و مادی الزامی است. منتهی مقنن رکن معنوی را برای اثبات این جرم ضروری ندانسته و این رکن به صورت فرض قرار داده است. بنابراین جرم صدور چک پرداخت نشدنی جزء جرائم مادی صرف است و قانون گذار وجود رکن معنوی را در آن مفروض ندانسته است. (شامبیانی، ۱۳۷۷: ۲۵۱) جرم صدور چک پرداخت نشدنی از زمره جرائم مادی صرف بوده و نیازی به احراز عنصر روانی ندارد. (میر محمد صادقی، ۱۴۰۱: ۵۱۴) چک پرداخت نشدنی از جرائم صرفاً مادی است و می‌دانیم که جرائم مادی صرف آن دسته از اعمال مجرمانه عمدی است که به محض انجام عمل مادی، جرم محقق می‌شود. در مورد چک نیز تنها با صدور چک و تسلیم ارادی آن به دیگری در صورت قابل پرداخت نبودن، عنصر روانی جرم مفروض تلقی می‌شود و مقامات قضایی و دادگاه‌ها مکلف به احراز و اثبات عنصر روانی جرم نیستند و نیازی به اثبات قصد مجرمانه صادر کننده چک نیست. (ولیدی، ۱۳۸۷: ۲۷۳) می‌توان نتیجه گرفت که عنوان جرائم مادی صرف پس از تقنین جرائم صدور چک پرداخت نشدنی و به منظور اشباع خلاء های حقوقی ناشی از آن به نظام حقوق کیفری ایران وارد شده است. جرائمی از جمله صدور چک بلا محل، جرائم و تخلفات راهنمایی و رانندگی تحت عنوان جرائم مادی صرف که در آن شاهد تعاریف نه چندان جامع حقوقدانانی هستیم که حتی به درستی نتوانستند این دسته از جرائم را احصا نماید. به نظر نگارنده وجود جرائم مادی صرف به لحاظ وجود و عدم، قابل تأمل بوده و به همین منظور شایسته است ابتدا به تبیین و اثبات وجودی آن در قالب مصادیق بارز و سایر مصادیق، بپردازیم.

#### ۴-۱- صدور چک پرداخت نشدنی

چک پرداخت نشدنی به چکی گفته می‌شود که صادرکننده آن با علم به مسدود یا خالی بودن حساب بانکی خود، اقدام به صدور آن می‌کند. در این بخش از پژوهش به بررسی پیشینه چک پرداخته و سپس آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### ۴-۱-۱- قوانین چک تا سال ۱۳۴۴

نخستین مقررہ کیفری چک، ماده ۲۳۷ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بود. این ماده اشعار داشت «الف: هرکس بدون داشتن محل اعم از وجه نقد یا اعتبار، چک صادر نماید بجزای نقدی معادل عشر وجه چک محکوم می‌شود و اگر محل کمتر از مبلغ چک باشد جزای نقدی بنسبت تفاوت بین محل موجود و مبلغ چک اخذ خواهد شد و در هر صورت میزان جزای نقدی نباید کمتر از دویست ریال باشد. ب: هر کس از روی سوء نیت بدون محل و یا بیشتر از محلی که دارد چک صادر کند و یا پس از صادر کردن چک تمام یا یک قسمت وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده بنحوی از انحاء از محال علیه پس بگیرد بحسب تادیبی از شش ماه تا دو سال و بتادیبه جزای نقدی که نباید از دو برابر وجه چک بیشتر و ربع آن کمتر باشد محکوم خواهد شد. جرایم مذکور در فوق بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست استرداد شکایت در مورد الف این ماده در تمام مراحل مانع تعقیب و مجازات است. هرگاه صادرکننده چک در ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهاریه رسمی یا از تاریخ اعتراض نامه وجه چک را نپردازد سوء نیت او محرز است» که طی دو شق، صدور چک بلامحل را، جرم انگاری کرده بود. بند ب با درج عبارت «هر کس از روی سوء نیت» مصداق صدور چک پرداخت نشدنی با سوء نیت را جرم انگاری می‌نمود که در بردارنده مصادیق عمد و مصادیق توأم با تقصیر بود. این بخش از مقررہ قانونی در پایان نیز با تعیین فرصتی پنج روزه از تاریخ ابلاغ اظهاریه رسمی یا اعتراض نامه، شرایطی را ایجاد نموده که اگر صادر کننده چک نسبت به تأدیه مبلغ چک اقدام نمی‌کرد، سوء نیت وی محرز می‌شد. این مهلت مختص بند الف بود و بند الف این ماده، صدور چک پرداخت نشدنی را در وضعیتی جرم انگاری نموده که صادر کننده چک هیچ گونه سوء نیتی نداشت. بند الف ماده مذکور در بردارنده فرض مسئولیت بود که می‌شد آن را مصداق جرم مادی صرف دانست.

در ۲۷ آبان ماه سال ۱۳۳۱ لایحه قانونی چک بی محل تصویب شد. به موجب ماده ۸ این قانون «در صورتیکه به هر یک از علل مذکور در ماده ۳، بانک از پرداخت وجه چک خودداری نماید و صادرکننده در ظرف ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض نامه وجه چک را نپردازد مشمول بند ب ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی بوده و طبق ماده مزبور قابل تعقیب و مجازات خواهد بود». همچنین به موجب ماده ۱۳ همان لایحه قانونی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی شد. لذا این مقررہ ضمن تأیید بند ب ماده ۲۳۸ مکرر در باب تعیین کیفر، بند الف ماده ۲۳۸ مکرر را نسخ ضمنی نمود و عملاً جرم مادی صرف حذف شد. لذا صدور چک پرداخت نشدنی صرفاً در موارد احراز سوء نیت میسر می‌شد. (نبوی رضوی، ۱۳۷۶: ۵۲) لذا احراز رکن روانی در این نوع جرم حایز اهمیت بود و عملاً جایگاهی برای جرم مادی صرف باقی نماند. لایحه قانونی چک بی محل مصوب ۱۳۳۱ به موجب قانون الغای برخی قوانین از تاریخ ۱۳۲۹/۰۱/۰۱ تا ۱۳۳۶/۷/۳۰، منسوخ شد. در سال ۱۳۳۷ نیز قانون صدور چک جدیدی تصویب شد که به موجب ماده ۱۸ قانون چک مصوب ۱۳۴۴ نسخ شد. النهایه مقررات کیفری چک که پس از ماده ۲۳۸ مکرر ق.م.ع تصویب شد؛ جرایم مادی صرف را اعاده نمود.

#### ۴-۱-۲- قانون چک مصوب سال ۱۳۴۴

قانون صدور چک سال ۱۳۴۴ مشتمل بر ۱۹ ماده در خرداد ماه ۱۳۴۴ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. ماده ۱۸ این قانون صراحتاً به حیات حقوقی ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ پایان داد. از جمله تحولات محسوس این قانون، امکان پرداخت مبلغ چک تا سقف موجودی حساب و ارایه گواهی عدم پرداخت نسبت به مازاد مبلغ پرداخت نشده چک می‌باشد. صدر ماده ۳ قانون چک مصوب ۱۳۴۴ تصریح داشت؛ «صادرکننده چک وقتی حق صدور چک دارد که معادل مبلغ آن در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتبار) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که باعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم

پرداخت وجه چکی را که صادر کرده به بانک بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید». از مفاد ماده مذکور محرز بود که قانونگذار در تحقق صدور جرم پرداخت نشدنی، وجود عمد را پذیرفته است. چرا که به جای بکاربردن عبارت «اگر چک به هر دلیلی منجر به عدم پرداخت گردد» از عبارت «صادرکننده چک نباید تمام یا قسمتی از وجه را به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت را به بانک بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از پرداخت وجه چک خودداری نماید» استفاده نموده که ناظر بر افعال عمدی (خارج نمودن وجه از حساب، دستور عدم پرداخت و عدم تنظیم ناصحیح چک) می باشد. قرینه ای که استدلال اخیر را قوام می بخشد؛ عبارت صدر ماده ۶ قانون چک مصوب ۱۳۴۴ بود که مقرر می نمود «در کلیه موارد مذکور در مواد بالا هرگاه صادرکننده چک حسن نیت خود را به اثبات برساند تعقیب موقوف می گردد. حسن نیت وقتی ثابت می شود که صادرکننده چک ظرف ده روز از تاریخ اطلاع از شکایت کیفری وجه آن را نقداً به دارنده چک بپردازد یا به منظور پرداخت به دارنده چک در صندوق دادگستری تودیع نماید و یا موجبات قابل پرداخت بودن آن را در بانک محال علیه فراهم ساخته و گواهی بانک را در همان مدت به مرجع رسیدگی تسلیم نماید». در واقع مبنای رکن روانی جرم صدور چک پرداخت نشدنی عمد و داشتن سوءنیت بوده و این فرصت به صادر کننده داده شده بود تا با اثبات عدم سوءنیت، خود را از کیفر مبری نماید.

#### ۴-۱-۳- چک در قوانین کیفری جاری کشور

در سال ۱۳۵۵ قانون صدور چک تصویب شد و ماده ۲۲ این قانون قانون چک سال ۱۳۴۴ را نسخ نمود. ماده ۲ قانون مذکور رفتار مادی صدور چک پرداخت نشدنی را بیان می نماید:

- داشتن موجودی حساب معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده)
- عدم برداشت و خروج تمام یا قسمتی از مبلغ موجودی حساب مربوطه
- عدم دستور عدم پرداخت وجه چک
- عدم تنظیم مشخصات و مندرجات چک به صورت ناصحیح
- هرگونه اقدامی که منجر به عدم پرداخت وجه چک بشود.

رفتارهای مذکور عمدی است، لذا صادر کننده چک پرداخت نشدنی با ارتکاب یکی از رفتارهای مذکور عمداً مرتکب این نوع جرم شده است. در مورد رفتار مندرج در ردیف ۴ هرچند می توان مصادیق سهو و اشتباه را متصور شد، لذا قانونگذار نخواستن مواردی که در آن عمد در رفتار ارتكابی وجود ندارد را جرم انگاری نماید و با وضع مقرراتی در ادامه این قانون، صور ناشی از اشتباه و مصادیق غیر عمد را از شمول جرم خارج نموده است. به همین منظور طی ماده ۸ این قانون تصریح نموده است: «در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست». لذا قانون چک مصوب ۱۳۵۵، جرم صدور چک پرداخت نشدنی را به لحاظ رکن روانی، اصولاً عمدی محسوب نموده و امکان اثبات عدم تعمد را با وضع ماده ۸ این قانون پیش بینی نموده است. لذا در این قانون نیز اثری از فرض عمد یا تقصیر در رکن روانی وجود نداشت. این قانون کماکان مجری است، لیکن در سال ۱۳۷۲ دچار اصلاح شد و یک ماده با عنوان انواع چک به ابتدای این قانون اضافه شد و مواد این قانون از شماره ۲ در این قانون درج و اصلاح شدند. در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ و ۱۳۸۲ و ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ اصلاحات قابل داشت. اما سیر تکامل رکن روانی در قانون صدور چک تغییر نکرد. هم اکنون نیز ماده ۹ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی ۱۴۰۰/۰۱/۲۹ همان ماده ۸ قانون چک مصوب ۱۳۵۵ بوده و چنانچه در بالا بطور مفصل بیان شد، اثبات کننده عمدی بودن جرم صدور چک پرداخت نشدنی می باشد. حتی از ماده ۱۲ این قانون اصلاحی ۱۳۸۲/۰۶/۰۲ نیز می توان

به سهولت دریافت که قانونگذار قصد ندارد نوعی جرم با مسئولیت مفروض و مادی صرف را در خصوص جرایم مرتبط با صدور چک وضع نماید. لیکن با توجه به مواد اخیر الذکر که امکان اثبات عدم عمد و سوءنیت را برای صادر کننده پیش بینی نموده می توان به طور قاطع گفت که جرم صدور چک جرمی است عمدی و چون در رکن روانی آن فرض مسئولیت نشده و طی فرصتی مشخص امکان اثبات خلاف آن وجود دارد لذا جرم مادی صرف نمی باشد.

#### ۴-۲- جرایم رانندگی

ورود خودرو به کشور به دوران قاجار بر می گردد تا اینکه رفته رفته تعداد این ابزار پیشرفته در کشور بیشتر و بیشتر شد و با ورود صنعت مونتاژ و ساخت خودرو، عموم مردم به این وسیله نقلیه دسترسی یافتند. این صنعت نیز همانند بسیاری از پدیده های صنعتی و اجتماعی علی رغم تسهیل زندگی بشری، مشکلاتی را نیز با خود به دنبال داشت. از جمله ایراد خسارات جانی و مالی در معابر. جهت رفع این معضل مقرراتی تصویب شد و بعدها دستخوش اصلاحات و تغییر قرار گرفت. به طور کلی و از دید حقوق کیفری، مقررات رانندگی را در حال حاضر می توان به دو دسته تقسیم نمود.

الف) جرایم رانندگی موضوع مواد ۷۱۴ و به بعد قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

ب) تخلفات رانندگی موضوع قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۰۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

در خصوص دسته نخست که به صراحت ماده ۷۱۴ قانون مذکور، هر گاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه محکوم می شود. رکن روانی جرم ماده ۷۱۴ تا ۷۱۹ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ عبارت از بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی که همان مصادیق تقصیر است می باشد. تعیین مقصر یا مقصران و درصد و میزان هریک از اسباب و عوامل حادثه ساز این مجموعه از جرایم برابر ماده ۱۴ و نیز ماده ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۰۸ بر عهده افسران و کارشناسان تصادف راهنمایی و رانندگی است. برابر ماده ۱۷ قانون اخیر الذکر، نظر اولیه افسران کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی در حکم نظر کارشناسان رسمی است. در صورت وجود ابهام، نقص و یا در صورت اعتراض، موضوع جهت رفع نقص و ابهام و یا تجدید نظر حسب مورد به همان کارشناس، یا کارشناس یا به هیأت کارشناسی ارجاع خواهد شد. برابر قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی نه تنها رانندگان بلکه عابران پیاده نیز موظف به رعایت یکسری مقررات هستند. دسته دوم از ناهنجاری ها که تحت عنوان نه جرم بلکه تخلف شناخته می شود عبارت است از رعایت نمودن مقرراتی که قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی (مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۰۸) تعیین نموده است. به طور کلی تخلفات مندرج در این قانون را می توان به دو گروه تقسیم نمود.

- دسته اول آن دسته از تخلفاتی است که ضمانت اجرای مشخصی نداشته؛ صرفاً در صورت وقوع حادثه، مرتکب آن جزئاً یا کاملاً مقصر در حادثه شناخته می شود؛ همانند عدم رعایت مفاد ماده ۲۱۵ آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴. اگر در تصادف رانندگی منجر به خسارت جانی، راننده تمامی مقررات را رعایت نموده باشد لیکن رهگذر حسب گزارش کارشناس تصادفات، مشمول یکی از بندهای ماده ۲۱۵ آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۸۴/۰۳/۱۸ و مقصر تام باشد، هیچ جرمی واقع نشده است. اگر هم عدم رعایت مفاد ماده مذکور منجر به حادثه نباشد، ضمانت اجرائی برای عابر متخلف نیست؛ جز اینکه زندگی خویش را به خطر انداخته است.
- آن دسته تخلفاتی است که ضمانت اجرای آن صدور قبض جرمیه است.

در خصوص مقررات گروه (ب) باید گفت که ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، به مأموران راهنمایی رانندگی اجازه داده که متخلفان از قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را پس از تشخیص تخلف و انطباق آن با میزان جرائم متوقف نمایند و مشخصات وسیله نقلیه و راننده، زمان و محل وقوع تخلف و نوع آن و نیز مشخصات خود را در قبض جرمیه درج و به راننده متخلف تسلیم نمایند. در صورتی که متخلف از دریافت قبض جرمیه خودداری نماید قبض صادر شده به منزله ابلاغ قانونی تلقی شده و ضمیمه سوابق نزد اداره راهنمایی و رانندگی مربوطه نگهداری می‌شود. چنانچه وسیله نقلیه در محل غیر مجاز متوقف باشد یا در صورت عدم حضور متخلف، قبض جرمیه به بدنه خودرو الصاق می‌شود. رکن روانی این تخلفات عمدی است. آنچه مقررات را از شمول جرم مادی صرف خارج می‌کند، ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۰۸ است. برابر این ماده، متخلف موظف است ظرف مدت شصت روز از تاریخ مندرج در قبض جرمیه یا تاریخ ابلاغ شده در قبض، جرمیه را پرداخت نماید یا مراتب اعتراض خود را ظرف مدت مذکور با ذکر دلایل به اداره اجرائیات راهنمایی و رانندگی تسلیم نماید. اداره مذکور موظف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از وصول اعتراض بررسی لازم را انجام داده و در صورت غیر موجه دانستن اعتراض مراتب را به معترض ابلاغ نماید، در صورت اصرار معترض، اداره اجرائیات موضوع را جهت رسیدگی به واحد رسیدگی به اعتراضات ناشی از تخلفات رانندگی ارسال می‌نماید. از مقررات فوق می‌توان نتیجه گرفت که در تخلفات راهنمایی و رانندگی صرفاً انقلاب دعوی رخ داده و صرف ارتکاب یکی از مصادیق ممنوعیت، اصل بر عمد و بعضاً تقصیر راننده قرار گرفته مگر اینکه وی نتواند خلاف آن را ثابت نماید. نکته درخور توجه دیگر اینکه در جرائم مادی صرف از جرم بحث می‌کنیم نه تخلف در حالیکه مقررات راهنمایی و رانندگی، قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی نامیده می‌شود؛ از این رو به هیچ وجه قابل قیاس با جرائم نیست. شاید بتوان به این دست از جرمیه‌ها عنوان تعزیر مدنی اطلاق نمود. (محقق داماد و حاجیان، ۱۴۰۰: ۲۱۴) در پاسخ باید گفت که هر چند این تفویض از ماده مذکور کاملاً قابل استنباط است، لیکن چنانچه بخواهیم این مقرر را به عنوان مجوز تفویض کیفی، تفسیر و تلقی کنیم؛ با اصل سی و ششم قانون اساسی «حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» در تعارض قرار می‌گیرد. لذا تردیدی نمی‌ماند که با توجه به عنوان تخلف، مقامات تشخیص تخلف و نیز مراجع اعتراض به جرمیه که جملگی، عناوین و نهادهای غیر قضایی هستند؛ این مقررات از شمول جرم خارج بوده و همانند بسیاری از تخلفات که در نهادها و ارگان‌های دولتی و حتی غیر دولتی پیش بینی شده، نوع جدیدی از تخلف محسوب می‌شود (دریایی و غلاملو، ۱۴۰۲: ۴۷ تا ۷۴) که نه به اعتبار رابطه استخدامی بلکه به اعتبار استفاده از وسیله نقلیه بر استفاده کنندگان، عارض و مترتب می‌شود. برخلاف نظر برخی نویسندگان که تخلف را صرفاً در چارچوب اداری و حکومتی تعریف نموده‌اند. (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۹: ۲۵۸) بعنوان حسن ختام این مبحث از مثال عدم پرداخت مالیات خودرو و یا مسکن می‌توان استفاده نمود که هر شهروند ایرانی که دارای منزل و اتومبیل شخصی باشد بایستی بطور سالیانه عوارض مربوط به آن را پرداخت نماید. قاعدتاً این عوارض در صورت عدم پرداخت مشمول جرمیه تأخیر خواهد شد؛ همانطوریکه سرعت غیر مجاز موجب جرمیه خواهد بود.

#### ۴-۳- جرائم مطبوعاتی

از جمله جرائمی که برخی حقوقدانان از آن بعنوان جرم مادی صرف یاد نموده جرائم مطبوعاتی است. (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۲۵) البته مستند مربوطه، ماده ۲۱ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ است که هم اکنون جزو قوانین منسوخ به شمار می‌آید. در ماده ۱۷ همان قانون چنین مقرر شده بود که مسئولیت مقالات یا مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است. در صورتی که مقالات یا مطالب مذکور مضر به منافع اشخاص بوده و منتهی به شکایت شود، مدیرمسئول باید نویسنده مقاله یا مطلب را معرفی کند و پاسخگوی آن باشد

مگر اینکه ثابت شود مدیر مسئول به تمام وظایف و مسئولیت های متعارف عمل کرده باشد که در این صورت مسئولیت متوجه کسی است که در این باب تقصیر کرده باشد. به نظر نگارنده، قانونگذار در ماده ۱۷ قاعده ای کلی را بیان نموده است و ماده ۲۱ بایستی توأمان با ماده ۱۷ مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد جرم مدیر مسئول مادی صرف نبوده و چنانچه وظائف قانونی خود را انجام داده باشد مسئول نیست. در حال حاضر قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اصلاحیه سال ۷۹ و ۸۸، مجری است. با بررسی این مقرر، بویژه مواد ۲۳ و به بعد، موضوع فصل ششم این قانون می توان تعدد مرتکب را از مفاد متن استنباط نمود. (مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴) مواد ۲۷، ۳۰ و ۳۱ این قانون مدیر مسئول را در صورت انتشار الفاظ رکیک، فحاشی به اشخاص، مسئول دانسته است. به نظر نگارنده از این مواد نباید استنباط نمود که مقنن در این مقرر جرم مادی وضع نموده است. زیرا چنانچه از عنوان واژه مدیر مسئول برمی آید، نامبرده در بادی امر مسئول است. عبارتی اصولاً مسئول است نه مطلقاً، چرا که به موجب ماده ۲۵ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴، کلیه مکاتبات و اقدامات با امضای مدیر مسئول رسمیت می یابد. کما اینکه ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۶۴ مقرر می دارد: «هرگاه در نشریه ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسندگان مطالب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد». چنانچه مشخص است نگارش متن اهانت آمیز نمی تواند ناشی از سهو باشد. لذا عمدی بودن عمل بارز و مشخص است. از این ماده مستنبط است؛ نویسندگان نیز به همراه مدیر مسئول به مرجع قضایی معرفی می شود تا نهایتاً مجرم شناسایی شود. همچنین ماده ۳۰ این قانون نیز در مقام بیان اصل عمدی بودن جرم است. لذا در این ماده نیز اگر مدیر مسئول بتواند انتساب عمل را به نویسندگان اثبات نماید بری از مجازات است. در پایان نیز به تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات الحاقی ۱۳۷۹ اشاره می نمائیم که قاعده کلی را در این قانون بیان نموده و صراحتاً مادی بودن جرم مدیر مسئول را رد می نماید. به موجب این ماده «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسندگان و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود». ویژگی مطبوعات انتشار سریع و گسترده اطلاعات است. چه بسا اگر این اطلاعات چه در قالب اهانت و توهین و چه با هدف های ایجاد تشویش و ناامنی و ... باشد؛ این امکان را داراست که نظم جامعه را آنچنان به هم بریزد که کمتر سلاحی توانایی و قابلیت چنین اثر مخربی دارد. لذا مسئول دانستن شخصی معین بعنوان پاسخگو لازمه بنیان مطبوعات است. مقنن با عقبه فقهی قوانین کشور که بدون عمد یا لاقط تقصیر کسی را مسئول نمی داند؛ در جرائم مطبوعاتی دست به انقلاب دعوا زده و اصل را بر عمد یا تقصیر مدیر مسئول نهاده است. در نتیجه اینکه جرائم مطبوعاتی بر عکس آنچه گفته می شود جرم مادی صرف نیست.

#### ۴-۴- جرائم مربوط به حوزه سلامت

از جمله جرائمی که از آن بعنوان مادی صرف یاد شده جرائم علیه بهداشت است. در این حوزه اگرچه می توان قوانین بسیاری را مثال زد لیکن نگارنده با توجه به هدف این پژوهش به مقرراتی اشاره نموده که به حیطة جرائم مادی و مطلق نزدیک تر است. قوانین مربوط به این بخش عبارتند از: قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۰۴/۲۲، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و داروئی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۰۳/۲۹ و قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳. عده ای از حقوقدانان جرائم مربوط به مواد خوراکی و بهداشتی را جزو جرائم مادی صرف می دانند. جرائم حیطة سلامت مواد خوراکی و بهداشتی عموماً در همین سه مجموعه قانونی می گنجد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱) وفق ماده ۱ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر، مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سوء استفاده، عدم رعایت استانداردها یا فرمول ثبت شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد، فروش و عرضه جنس

فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که موعده مصرف آن گذشته باشد، بکار بردن رنگها و اسانسها و سایر مواد اضافی غیر مجاز در مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی و یا لوازم بازی کودکان، ساختن مواد تقلبی خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، جرم بوده و مرتکب حسب مورد به مجازات مقرر در ماده ۲ همین قانون محکوم می شود. بکار بردن واژه «مرتکب مجازات می شود» و نیز در ماده ۳ «مجازات سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده اعدام است» نشانگر تعمد و آگاهی مرتکب است. در حالیکه اگر عنوان می شد که در صورت تخلف از موازین مندرج ماده ۱، مجازات مالک شرکت یا کارخانه چنین است؛ می توانستیم بپذیریم که اراده مقنن، وضع مسئولیت مطلق بوده است در حالیکه چنین نیست. در همین راستا تبصره ۲ ماده ۳ قانون فوق (الحاقی ۵۳/۱۲/۱۸) اشعار می دارد: «در تمام موارد مذکور در این قانون هرگاه معلوم شود که مواد تقلبی با علم و اطلاع مدیر یا صاحب مؤسسه یا کارگاه ساخت یا تهیه یا با مواد خارجی مخلوط شده است اشخاص مذکور بهمان مجازاتی که برای مباشر عمل مقرر است محکوم خواهند شد». لذا علم و آگاهی صاحب مؤسسه یا شرکت در راستای مجازات وی موثر بوده و این مستند قانونی مادی بودن جرم وی را رد می کند. حتی برابر ماده ۶ این قانون چنانچه تهیه کننده یا سازنده یا فروشنده یا عرضه کننده یا هر یک از عاملین آنها که در ارتکاب رفتار عاقد نبوده بلکه مرتکب تقصیر شده باشند را نیز مستحق مجازات مشخص دانسته است. این مقرر نیز دلیل دیگری است بر عمدی بودن جرائم مندرج در مواد پیشین این قانون. لذا مردود بودن جرم مادی صرف در این دسته از جرائم نیز مشخص است.

در این قانون، جرائم مختلفی جرم انگاری شده است. ایجاد مؤسسه پزشکی بدون پروانه کار، خودداری بیمارستانها از پذیرش و ارائه خدمات اولیه لازم به بیماران اورژانس، به کارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه ای در مؤسسات پزشکی، ترک مؤسسه پزشکی توسط مسئول فنی، پزشک کشیک و سایر کادرهای تخصصی در ساعت مقرر، تعطیل غیر موجه مطب و یا مؤسسه پزشکی بدون اطلاع سازمان نظام پزشکی و نپذیرفتن درصدی از بیماران بیمه که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می نماید، ارائه دارو بدون نسخه، گرانفروشی، اخذ پروانه برای تأسیس داروخانه، فروش هر گونه کالایی به جز لوازم بهداشتی و آرایشی، شیرخشک، غذای کودک و لوازم مصرفی پزشکی مجاز، عدم حضور مسئول فنی در ساعات مقرر داروخانه و ... همه از مواردی هستند که در آن عمد مرتکب به لحاظ فعل یا ترک فعل محرز است. شاید تنها، عنوان بکارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه ای در مؤسسات پزشکی به نظر جرمی مادی باشد. در این زمینه باید گفت که مسئولیت مرتکب به جهت اینکه استثنائی است بر اصول کلی حقوق جزا لذا نیاز به تصریح دارد. در این ماده صراحتاً مسئولیت و مجازات بر شخص خاص و معین یا صاحب مؤسسه بار نشده است. لذا در صورت بروز چنین رفتار خلاف قانونی اگرچه مدیر یا صاحب مؤسسه به مرجع قضایی احضار می شود لیکن بررسی مطلع بودن یا نبودن وی و اینکه بکارگیری شخص غیر متخصص به دستور و به واسطه چه شخصی انجام پذیرفته، حسب نظر کارشناس امور پزشکی، دارویی و نهایتاً شناسائی مقصر یا مقصران در امر برابر کلیات و اصول حقوقی لازم و ضروریست. مقنن در این حوزه نیز نتوانسته از مبانی و اصول حقوق کیفری عدول نماید. لذا لزوم احراز رکن روانی در این جرائم نیز مشهود است.

#### ۴-۵- جرایم مربوط به حوزه محیط زیست

در این بخش به تعدادی از مقررات مرتبط با این حوزه اشاره می نمایم:

- ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴
- آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳/۰۲/۱۸

- قانون حفظ و حراست منابع آبهای زیرزمینی کشور مصوب ۱۳۴۵/۰۳/۰۱
- آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳/۰۲/۱۸
- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶
- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳
- قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷/۰۴/۲۷
- قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴

در رابطه با بزه تهدید علیه بهداشت عمومی موضوع مقرر ردیف ۱، استعمال الفاظی نظیر آلوده کردن، توزیع، دفع کردن، ریختن و استفاده دلاله بر اراده قانونگذار بر عمدی بودن این اقدامات دارد. حال اگر به جای این کلمات از عباراتی چون سبب آلوده شدن یا سبب ورود، توزیع یا دفع شدن استفاده می شد، می توانستیم مقصود مقنن را وضع نوعی جرم مادی بدانیم؛ زیرا در این صورت رفتار عمدی مرتکب مهم نبود، بلکه آلوده شدن محیط زیست به نحو قابل انتساب به متهم به هر شکل ممکن، برای مقنن ملاک بود. ماده ۱۶ مقرر ردیف ۲ مقرر می دارد؛ «در صورتی که صنایع آلاینده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت ننمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذیربط، بلافاصله توسط مأموران انتظامی از کار و فعالیت آلاینده آنان جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت ایشان منوط به صدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رأی دادگاه صلاحیتدار می باشد». تبصره ی ماده مذکور مقرر می نماید: «اگر افراد مذکور رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رأی دادگاه صالحه، اقدام به بازگشایی و ادامه فعالیت آلاینده خود بنمایند، برحسب مورد به مجازات های مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد». بررسی این مقررات نشان می دهد، آنچه وصف کیفری دارد، آلوده کردن محیط زیست به خودی خود نیست، بلکه ادامه دادن عامدانه فعالیت کاری با وصف علم به آلوده کننده بودن آن، حسب اخطار سازمان حفاظت محیط زیست یا دستور دادگاه است و احراز عنصر معنوی در آن ضرورت دارد. وفق ماده ۹ مقرر ردیف سوم «در صورتی که مسؤول منبع آلوده کننده با دلایل و مدارک قابل قبول سازمان اثبات نماید که ظرف مهلت مقرر در اخطاریه رفع آلودگی عملی نمی باشد سازمان می تواند مهلت اضافی مناسب برای این گونه منابع قائل شود مشروط بر اینکه ادامه فعالیت این منابع خطرات جدی برای سلامت انسان و سایر موجودات زنده در بر نداشته باشد». اگر چه آئین نامه نمی تواند جرم پیش بینی نماید لیکن با استفاده از وحدت ملاک آن می توان استنباط نمود؛ اگر مسئولیت مسؤول منبع آلوده کننده مطلق بود؛ فرصت جلوگیری از آلودگی و درخواست تمدید مهلت برای شخص مسؤول پیش بینی نمی شد. چنانچه آلوده کردن آب در بادی امر جرم محسوب می شد؛ می توانستیم این نوع جرم را مادی صرف محسوب نمائیم. ماده ۲ قانون ردیف ۹ بر ضرورت توجه به عنصر معنوی جرم تصریح بیشتری دارد. چنان چه آلوده کردن رودخانه های مرزی و آب های داخلی و دریای سرزمینی ایران به نفت یا هر نوع مخلوط نفتی، عمدی باشد، مستوجب حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات می باشد؛ اما در صورتی که آلودگی در نتیجه بی مبالاتی یا بی احتیاطی باشد، مجازات مرتکب حداقل جزای نقدی مذکور در این ماده خواهد بود. قیود «بی احتیاطی» و «بی مبالاتی» در ذیل ماده، صرفنظر از آن که مصداق خطای جزایی و نشانگر رکن روانی جرایم غیرعمدی است، مبین ضرورت عمدی بودن فعل مرتکب در صدر ماده می باشد. دلیل دیگر، ماده ۶ همان قانون است؛ آن جا که دو بند آلودگی غیرعمدی و بدون تقصیر از شمول ماده ۲ قانون مذکور استثنا شده است؛ مشروط بر آنکه پس از وقوع، اقدامات فوری به منظور جلوگیری و رفع آثار آن صورت گرفته باشد. آنچه مسلم است اینکه مقررات مذکور نشانگر پیش بینی رکن روانی در جرایم از سوی مقنن بوده و مصداقی از جرم مادی صرف در آن ها نمی توان یافت. (جانی پور و عباسی، ۱۳۹۲: ۵۲)

## ۵- نتیجه گیری

عنصر روانی هر بزه مشتمل بر سوء نیت عام و بعضاً سوء نیت خاص است. وجود سوء نیت عام مبتنی بر علم و آگاهی به معنای قصد و اراده ای انجام رفتار ارتكابی در تمامی جرائم ضروری است و در واقع از جمله شرایط مسئولیت کیفری دانسته می شود. اما وجود سوء نیت خاص در جرائم ضروری است که در قانون به آن تصریح شده باشد. رکن روانی جزو ارکان اساسی تحقق جرم بوده و با وضع ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در کلیه جرائم غیر جنایی قدر متیقن با مقوله تقصیر به عنوان پایین ترین و حداقل مرحله رکن روانی مواجه هستیم. جرایم مادی صرف بطور کلی در نظام حقوقی کنونی ایران پذیرفته نشده است. این دسته از جرائم تعریف قانونی نداشته و هم اکنون نیز ندارد و تنها علمای حقوق در این زمینه تعابیری ارائه نموده اند. قدر متیقن اینکه جرائم مادی صرف از منظر علمای حقوق جرمی است که رکن روانی در آن ملاک نبوده و به صرف بروز رفتار، جرم محقق می شود. مصادیق بارز این نوع جرائم، صدور چک و جرائم راهنمایی و رانندگی عنوان می شود که با استدلال های مذکور در مباحث بالا مشخص گردید که نه جرایم مذکور و نه سایر مصادیق عنوان شده با تعریف جرم مادی صرف منطبق نمی باشد. در واقع عنوان جرائم مادی صرف فاقد مصداق می باشد. هر چند در برهه ای از زمان حقوق دانان جهت اشباع خلاء قانونی، این تعریف را ارائه نمودند لیکن هم اکنون به نظر نویسنده با توجه به فقدان پذیرش این نوع از جرائم از سوی قانونگذار، نداشتن تعریف مشخص قانونی و مهمتر از همه فقدان مصداق، باید اذعان نمود جرائم مادی صرف در حال حاضر از نظام حقوق کیفری کشور حذف شده است.

## منابع

۱. آزمایش، علی (۱۳۷۸)، «جزوه درسی حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)»، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۲. آقایی نیا، حسین (۱۳۸۵)، «تقریرات درس حقوق جزای عمومی ۱»، نیمسال اول، مقطع کارشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۵.ه.ق)، «المقنع»، قم: انتشارات مؤسسه امام هادی علیه السلام
۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳.ه.ق)، «من لا یحضره الفقیه»، قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۵. اردبیلی، محمد علی (۱۴۰۱)، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، چاپ شصت و نهم، تهران: نشر میزان
۶. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴.ه.ق)، «حدود و قصاص و دیات»، قم: انتشارات مؤسسه نشر آثار اسلامی
۷. امامی، محمد؛ استوار سنگری، کورش (۱۳۸۹)، «حقوق اداری»، چاپ دهم، تهران: نشر میزان
۸. پاد، ابراهیم (۱۳۸۳)، «حقوق کیفری اختصاصی»، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر رهام
۹. جانی پور، مجتبی؛ عباسی، مراد (۱۳۹۲)، «بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک»، نشریات علمی دانشگاه تبریز، دوره ۴، شماره ۶
۱۰. جعفری، فریدون (۱۴۰۰)، «چالش تعریف جرم در قانون مجازات ۱۳۹۲»، مجله پژوهش های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۵
۱۱. حلی (محقق)، نجم الدین (۱۴۱۸.ه.ق)، «المختصر النافع فی فقه الإمامیه»، جلد اول، قم: نشر المطبوعات الدینیة
۱۲. خالدی (سلطان العلماء)، علی (۱۴۱۲.ه.ق)، «الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی)»، جلد اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۱۳. دریایی، رضا؛ غلاملو، جمشید (۱۴۰۲)، «تعزیر مدنی در سایه جرم تعزیری؛ باز تحلیل انتقادی اثر وضعی جرم انتقال مال با انگیزه فرار از پرداخت دین»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرمشناسی، دوره ۵۳، شماره ۱
۱۴. سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۵)، «تأملی بر جرایم با مسئولیت مطلق در حقوق انگلستان»، نشریات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۵۵
۱۵. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۷)، «حقوق کیفری اختصاصی» جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر ژوبین
۱۶. شاهچراغ، حمید (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن لا»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۶، شماره ۷۸
۱۷. شکر، رضا (۱۳۸۰)، «نگرشی بر حقوق جزای عمومی»، چاپ اول، تهران: نشر مجد
۱۸. صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، «حقوق جزای عمومی»، چاپ اول، تهران: نشر طرح نو

۱۹. فرح بخش، مجتبی (۱۳۸۷)، «بررسی تغییرات و نوآوری های قانون اصلاح قانون صدور چک ۱۳۸۲»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱
۲۰. کلانتر، محمد (۱۴۰۴، ق)، «الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحسّی)»، جلد نهم، لبنان: دارالتعارف للمطبوعات
۲۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲)، «بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳»، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان
۲۲. لشکری آذر، سجاده؛ آشوری، محمد (۱۴۰۰)، «باز پژوهی جرم مادی صرف؛ مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا»، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، دوره ۱۷، شماره ۲
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی؛ حاجیان، هانی (۱۴۰۰)، «نظریه عمومی جرمه مدنی (تعزیرات غیر کیفری) در فقه و حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴
۲۴. محسنی، مرتضی (۱۳۷۵)، «دوره حقوق جزای عمومی»، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر گنج دانش
۲۵. منصور آبادی، عباس (۱۴۰۰)، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر میزان
۲۶. میر محمد صادقی، حسین (۱۴۰۱)، «حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت)» جلد دوم، چاپ شصت و یکم، تهران: نشر میزان
۲۷. نبوی رضوی، علی اصغر (۱۳۷۶)، «قانون صدور چک و مسائل حقوقی پیرامون آن»، چاپ اول، تهران: نشر میزان
۲۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، «جزوه جامعه شناسی جنایی مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا»، دانشگاه تهران
۲۹. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۷)، «حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اموال و مالکیت)»، جلد اول، چاپ سوم، تهران: نشر

امیر کبیر